حقیقت

علی وثقی

بسم الله الرحمن الرحيم

حقیقت

علی وسمقی

سرشناسه	:	وسمقی، علی، ۱۳۳۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	حقیقت/علی وسمقی ؛ ویراستار هدی وسمقی.
مشخصات نشر	:	تهران : انتشارات شمس کهن، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۸۶ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۷۲۴۲۸۳-۴
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	حقیقت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	:	Truth -- Religious aspects -- Islam
رده بندی کنگره	:	BP۲۱۶/۱۵
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۴۶۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۲۸۲۰۹۷



این انتشارات با نام بانو مولود شمس کهن مزین گردید

Shamsekohanpub.ir

عنوان کتاب : **حقیقت**

نویسنده : **علی وسمقی**

ویراستار : **هدی وسمقی**

نوبت چاپ : **اول – ۱۳۹۹**

شمارگان : **۱۰۰۰ نسخه**

قیمت : **۱۵۰۰۰ تومان**

شابک : **۹۷۸-۶۰۰-۷۲۴۲-۸۳-۴**

مرکز پخش : **انتشارات شمس کهن - ۰۲۱۸۸۳۹۶۹۲۴ - ۰۹۰۳۱۴۴۴۱۱۰**

تقدیم به مردان مرد، صادق، بی ریا و بی ادعا

شهیدان عرصه های ایثار، عشق و حقیقت

دکتر مصطفی چمران و سپهبد قاسم سلیمانی

فهرست مطالب

اشاره ۹

- آیا حقیقت و انتخاب برتر دست یافتنی است؟ ۱۱

- آیا آینده تاریخ قابل پیش بینی است؟ ۱۲

- آیا در فرهنگ لیبرالیسم ملاک و معیاری برای داوری وجود دارد؟........................... ۱۳

- آیا ساختار و فرهنگ لیبرالیسم هدفمند است؟... ۱۵

- آیا تفکیک ایمان(باور) از علم و عقل پذیرفتنی است؟.......................................۱۶

- آیا نظریه های فلاسفه و اندیشمندان غربی در خصوص دین، متأثر از مسیحیت تحریف شده کلیسا نیست؟ ۱۷

- آیا بدون شناخت انسان و عدم رعایت ارزشهای حداقلی انسانی تعیین حقوق بشر عقلانی است؟... ۱۸

- آیا خلقت انسان هدفمند نیست؟...۱۹

-آیا با محدود ماندن در حوزه حسی تجربی و عدم گسترش علوم به حوزه فراحسی می توان منکر علت العلل (خالق) شد؟ ۲۰

- دو برهان فلسفی کوتاه در خصوص اثبات صانع ۲۳

- چرا تفکر در ذات خداوند منع گردیده است...۲۶

- آیا خداوند با توجه به هدفمندی خلقت سازوکار مناسب و بدون شائبه ای را برای هدایت و نجات بندگان تعیین و تبیین ننموده است؟ ۲۷

- آیا عدم توانایی عقل برای درک حقیقت، انتخاب برتر و صراط مستقیم با هدفمندی خلقت در تناقض خواهد بود؟ ۲۸

- آیا مذهب راستین، پویا، زنده و جاودان، اسلام با محوریت قرآن است؟ ۳۰

- خداوند در قرآن مجید انسانها را از پذیرش دستورهای غیر عقلانی و غیر برهانی منع فرموده است ۳۰

- قرآن مجید(کلام وحی) حتی بدون یک حرف کاستی یا افزایش، دقیقاً آنگونه که بر پیامبر گرامی اسلام نازل گردیده است امروز در اختیار ما است ۳۲

- خطاب قرآن برای همه جهانیان و همه عصرهاست ۴۰

- تقویت باور قرآن توسط دانشمندان و فلاسفه متناسب با دست آوردها و اکتشافات علمی ۴۳

- اسلام بر اساس فطرت آدمی است ۵۳

- آثار علمی اسلام ۵۵

- اسلام برای تمامی ابعاد زندگی انسان دارای دستورالعمل می باشد ۵۶

- قرآن مجید برای تحصیل حقیقت و انتخاب برتر، راهکار ارائه نموده است ۵۹

- خداوند اراده نموده است در هستی تجلی نماید. ۶۳

- اهمیت نماز ۶۵

- نظر برخی دانشمندان در مورد نماز و عبادت ۷۲

اشاره

از آن جایی که بنا، بر اختصار می باشد این اثر شامل نقدی فهرست گونه از معرفت شناختی غرب و سازوکاری تیتر گونه از روش شناختی تحصیل حقیقت و انتخاب برتر می باشد؛ امید است مقبول افتد.

علی وسمقی

آیا حقیقت و انتخاب برتر دست یافتنی است؟

به رغم بسیاری از مکاتب و مذاهب از منظر آزاداندیشی، عقلانی ترین روش برای انتخاب بهترین ها به ویژه در حوزه های معرفت شناختی رسیدن به حقیقت، پوچی یا هدف مندی جهان و خلقت و انسان استماع سخنان و براهین سایرین می باشد.

آیا آینده تاریخ قابل پیش بینی است؟

قبلاً فاشیسم و مارکسیسم و امروز نظام سرمایه داری لیبرال و مسیحیت غرب تاریخ آینده جهان را به خود نسبت می دهند؛ مکاتب پیشین که به بایگانی تاریخ پیوستند اما از آنجایی که مبانی فکری لیبرالیزم، علمی به معنای حسی و تجربی است و نافی متافیزیک می باشد این نظریه فاقد اشکال نخواهد بود چرا که اولاً علوم طبیعی تجربه گراست و از طریق مشاهده نمی توان به قواعد کلی پی برد ثانیاً پیش بینی آینده تاریخ مقوله ای متافیزیک است بنابراین آیا این تناقض آشکار پذیرفتنی است؟

آیا در فرهنگ لیبرالیسم ملاک و معیاری برای داوری وجود دارد؟

لیبرالیزم دینی یا دین لیبرالیزم مسیحیت و فرهنگ غالب در غرب که بویژه امروز در دانشگاه های آمریکا و اروپا تدریس و تبلیغ می شود بر پایه نظریه کانتی تفکیک ذهن از عین و همفکران وی استوار است که در این ارتباط نتایج ذیل مشهود خواهد بود.

۱. علم را تجربه حسی تجربی معرفی کرده و از آنجایی که تبیین و تحلیل علوم تجربی بدون استفاده از قواعد و سازوکارهای ذهن که فراحسی است مقدور نیست لذا مخلوط این دو یعنی امور تجربی و امور فراحسی را فاقد اعتبار معرفی نموده و نسبی می دانند.

۲. عقل که مایه اصلی آن و علومی که باعث کارآمدی بیشتر عقل می‌شود فراحسی است لذا قابل اعتماد نیست و نسبی خواهد بود.

۳. وحی فراحسی است قابل اعتماد نمی باشد و نسبی است.

۴. دین که منشا آن وحی و فراحسی است قابل اعتماد نمی باشد لذا تنها منبع و گوهر دین احساس درونی و شخصی خواهد بود.

۵. با توجه به تعریف دین و نسبی بودن عقل اخلاق و عدالت و حقیقت نیز نسبی است و قابل داوری نمی باشد ضمناً کانت تفکیک ایمان یعنی باور را از معرفت (علم و عقل) مطرح نموده است.

سوال اساسی: آیا با توجه به اینکه در امور نسبی تضادها و تناقض های فراوان متصور خواهد بود حذف تمامی ملاک ها و معیارهای داوری حاکی از بطلان این فرهنگ نخواهد بود؟

آیا ساختار و فرهنگ لیبرالیسم هدفمند است؟

با توجه به تضادها و تناقض های فراوان در تجربه درونی و شخصی میلیاردها انسان، عدم امکان داوری در مورد حوزه های مشکوک و نسبی آیا فرهنگ هژمونی غرب هدفمند نیست و پوچ گرایی را تبلیغ نمی کند؟

آیا تفکیک ایمان(باور) از علم و عقل پذیرفتنی است؟

همانطوریکه می دانید ایمان و باور بدون علم و آگاهی فرضی مصنوعی بی اعتبار و غیر منطقی است.

آیا با توجه به تناقض های فراوان در کتب مقدس بر عدم امکان توجیه عقلی آنها تفکیک ایمان از علم و عقل بمنظور حفظ حداقلی مسیحیت منظور نگردیده است؟

به سخن دعوی بی اصل مبرهن نشود

حرف کج راست به زور رگ گردن نشود

(صائب)

آیا نظریه های فلاسفه و اندیشمندان غربی در خصوص دین، متأثر از مسیحیت تحریف شده کلیسا نیست؟

اگر برخی فلاسفه غربی از جمله هیوم الهیات و دین را سفسطه و مغلطه معرفی نموده اند آیا این نظرات تحت تأثیر الهیات و مسیحیت تحریف شده و غیر قابل توجیه کلیسا نیست؟

آیا بدون شناخت انسان و عدم رعایت ارزشهای حداقلی انسانی تعیین حقوق بشر عقلانی است؟

اگر در لیبرالیزم حقوق بشر از جمله حق حاکمیت، تابع دموکراسی و قرارداد محض باشد، ادیان، مشکوک بوده و عقل، اخلاق، ارزشها، عدالت و حقیقت نسبی محسوب شوند، حتی بدون رعایت ارزش های ثابت حداقلی انسانی در کتب مقدس، انسانها چگونه و با چه تضمینی می توانند در خصوص تنظیم قراردادهای اجتماعی و حقوق بشر توافق نمایند.

آیا خلقت انسان هدفمند نیست؟

آیا همه ادیان مشکوکند؟ آیا حقیقت در حوزه های مختلف از جمله اهداف خلقت دست نیافتنی است؟ آیا شاکله جنین انسان را قبل از تولد مشاهده نموده اید؟ آیا روند شکل گیری جنین، پیش بینی و هدفمند بودن اندامها برای زندگی بعد از تولد و تکمیل روند تکاملی نوزاد در شرایط جدید و سیستم های بسیار پیچیده در شهر صنعتی فوق الکترونیک بدن که امروز بزرگ ترین دانشمندان و متخصصان در رشته های مختلف پزشکی در شناخت عناصر، ساختمان و عملکرد کوچک ترین ذرات (سلول) متحیر می باشند فاقد مهندس، طراح و خالق می باشد؟

در بررسی های به عمل آمده یک انسان با وزن هفتاد کیلوگرم دارای حدوداً سی و شش تریلیون سلول بوده و هر سلول به تنهایی دارای ده تریلیون (ده به توان چهارده) اتم می باشد و هر اتم دارای اجزاء و عناصر مربوط خواهد بود. امروزه با پیشرفت دانش بشری سلولها را به دویست گروه مختلف تقسیم نموده و ساختمان هر سلول را میلیون ها بار پیچیده تر از سیستم ها و دستگاه های ساخت بشر می دانند. با توجه به تمامی ادله فوق آیا بررسی جدی چگونگی ادامه این روند بعد از توفی یعنی تولد ثانی به عنوان مهم ترین سؤال و دغدغه بشری ضروری و عقلانی نیست؟

خواجه چون بیلی به دست بنده داد

بی گمان معلوم شد او را مراد

(مولوی)

آیا با محدود ماندن در حوزه حسی تجربی و عدم گسترش علوم به حوزه فراحسی می توان منکر علت العلل (خالق) شد؟

در فرهنگ مسیحی اروپایی، به جهت غیر علمی دانستن امور فراحسی خواسته یا ناخواسته اهتمام جدیدی برای ورود و بررسی قانون محرز علیت مشاهده نگردیده است در این ارتباط مادیون نظم را در حوزه های مختلف بررسی و پذیرفته اند اما علیت را نفی کرده اند. سوال این است: آیا مجموعه های بدون هدف و غایت (علت) را می توان منظم نامید؟

مثلاً هرگاه قطعات یک ساعت را در ظرفی قرار دهیم منظم نامیده نمی شود اما هرگاه این قطعات دقیقاً در جای خود قرار بگیرند و عقربه های ساعت به حرکت در آید این مجموعه منظم نامیده خواهد شد و حذف یکی از قطعات ساعت می تواند علت توقف این ساعت گردد به عبارتی عدم وجود رابطه علیت بین دو قطعه حرکت ساعت را متوقف خواهد نمود بنابراین علیت روی دوم سکه نظم خواهد بود. آیا به صرف عدم مشاهده ساعت ساز یا آگاهی از نحوه عملکرد ساعت می توان در خصوص وجود ساعت ساز تردید نمود؟

مثال دوم: همانطور که می دانید شیمیست معروف مندلیف در طول حیات خویش توانست بخش اعظم جدول عناصر را تکمیل و بر اساس مشاهده رابطه علیت در برخی حلقه ها محل حلقه های موثر را که تاآن زمان کشف

نگردیده بود ضمن تعریف، تعیین و خالی گذاشت بعدها عناصر مزبور دقیقاً براساس تعریف وی توسط دیگران کشف و در خانه های خالی قرار گرفت آیا با توجه به تکمیل این جدول بر اساس رابطه علیت نمی توان نظم را روی دوم سکه رابطه علیت دانست ؟ آیا با محدود دانستن علم در حوزه حسی تجربی و از طرفی هدفمندی و ضرورت وجود این عناصر بدون گسترش علم در حوزه فراحسی می توان منکر حلقه اولیه یعنی علت العلل گردید.

دلیل سوم: در قرن اخیر دستاوردهای علمی نوین و بسیار شگفت انگیزی در خصوص نقش های مهم و متعدد هفت لایه جو زمین که شرایط حیات موجودات زمینی را فراهم می آورند آشکار گردیده است از جمله حفاظت از حرارت های شدید تابش خورشید، پوشش گلخانه ای نگهدارنده اکسیژن و سایر عناصر برای امکان حیات، سپر محافظتی در برابر سنگ های فضایی و بادهای خورشیدی، اشعه ماورای بنفش و ذرات هسته ای مرگبار، ۱۴نوع حرکت بسیار دقیق و حساب شده این کره به ظاهر آرام در میان میلیاردها ستاره و سیاره کهشکان از جمله سرعت یکصد و هشت هزار کیلومتر در ساعت به دور خورشید و یک هزار و هفتصد کیلومتر در ساعت به دور خود و تعادل و موازنه دقیق نیروهای جاذبه و گریز از مرکز که بر اساس محاسبات به عمل آمده هر نوع تغییر در لایه های اتمسفر زمین، عناصر و حرکت های مورد اشاره، امکان حیات را از موجودات سلب خواهد نمود آیا میلیاردها

پدیده در عالم هستی همانند افراد یک ارکستر می توانند بدون رهبر ارکستر این گونه هماهنگ، زیبا، دلنواز و چشم نواز به وظایف خود عمل نمایند از آنجایی که تلاش گردیده است این مختصر تماماً بر اساس استدلال و عقلانیت ارائه گردد قبل از ورود به اثبات دین راستین بسیار کوتاه به دو برهان فلسفی در خصوص اثبات صانع اشاره میشود.

سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار

در گردشند بر حسب اختیار وست

(حافظ)

دو برهان فلسفی کوتاه در خصوص اثبات صانع

۱- یکی از مهمترین مسائل اعتقادی بحث حدوث جهان است. یعنی عالم هستی، مُحدث (ایجاد کننده) دارد. مادیون می گویند منشأ عالم، ماده می‌باشد و ماده را قدیم و ازلی می دانند. الهیون منشأ عالم هستی را واجب الوجود (صانع) می دانند. تصور بی نهایت (قدیم و ازلی) برای ماده اشتباه است. چرا که بی نهایت فاقد هرگونه مرزی است. از طرفی خورشید و زمین و آسمان و موجودات از جمله انسانها موجودند لاجرم نقطه‌ی آغاز خواهند داشت و آغاز، نیاز به آغازگر (خالق) دارد.

ماجرای من و معشوق مرا پایان نیست

هر چه آغاز ندارد نپذیرد انجام

(حافظ)

۲- عالم، ممکن الوجود است یعنی می شود باشد یا نباشد. حال که موجود است باید علت داشته باشد. ایجاد کننده نمی تواند ممکن الوجود باشد. چرا که در این صورت خود نیاز به خالق خواهد داشت بنابراین خالق باید واجب الوجود باشد (وجودی است غیرمتجزی و خالق زمان و مکان و عالم هستی) در غیر این صورت نمی تواند آغازگر باشد. با عنایت به ویژگی واجب الوجود از جمله غیرمتجزی، توحید محرز بوده و هو الله احد نیاز به اثبات

نخواهد داشت. در این ارتباط و از این منظر، وحدت وجود نیز قابل قبول نخواهد بود. چرا که در این صورت عالم وجود متجزی خواهد بود.

نکته: همانطوری که طول و عرض و عمق بدون وجود ماده فاقد معناست زمان (مقدار حرکت) نیز بدون وجود ماده قابل تصور نخواهد بود.

امام علی(ع) می فرمایند:
- انّ ماسوی الواحد متجزّی، و الله واحد أحد لامتجزی ولا متوهم بالقلّه و الکثره و کل متجزّی أو متوهم بالقلّه و الکثره فهو مخلوق دال علی خالق له.

همانا جز خداوند یگانه همه چیز دارای اجزا است و خداوند یکتا نه دارای اجزا و نه قابل فرض پذیرش کمی و زیادی می باشد. هر چیزی که دارای اجزا بوده، یا قابل تصور به پذیرش کمی و زیادی باشد مخلوق است و دلالت بر این می کند که او را خالقی می باشد (التوحید، ۱۹۳؛ کافی، ۱۱۶/۱؛ بحار الانوار ۱۵۳/۴)

- ان الله تبارک و تعالی لا یوصف بزمان و لا مکان و لا حرکه و لا انتقال و لا سکون بل هو خالق الزمان و المکان و الحرکه و السکون و الانتقال تعالی الله عمایقول الظالمون علوا کبیرا (امام صادق (ع))

خداوند توصیف به زمان و مکان و حرکت و انتقال و سکون نمی شود بلکه او خالق زمان و مکان و حرکت و سکون و انتقال است، خداوند بسیار برتر است از آنچه ظالمان و ستمگران در حق او می گویند.

- فَمَنْ وَصَفَ اللهَ سُبْحَانَهُ فَقَدْ قَرَنَهُ، وَمَنْ قَرَنَهُ فَقَدْ ثَنّاهُ،وَمَنْ ثَنّاهُ فَقَد جَزّأهُ، وَمَنْ جَزّأهُ فَقَدْ جَهِلَهُ (امام علی (ع))

آن که خدای سبحان را چنین به وصف آرد، همسنگ آدمیانش ساخته است و آن کس که همتایی برای او بیند، ذات پاک الهی را دوگانه دیده است و دوگانگی در حکم تجزیه اوست و تجزیه خداوند یعنی نشناختن او.

چرا تفکر در ذات خداوند منع گردیده است

حقیقت آن است که امروز با تمامی پیشرفت های علمی در حوزه های مختلف، انسان در شناخت ذات، ساختار، ساختمان و ساز و کار اتم و مواد تشکیل دهنده‌ی اشیاء مادی متحیر می باشد.

از آنجایی که تمامی تفکرات و تصورات در مصادیق عالم مادی با ذهنیت این جهانی از جمله با ابعاد هندسی و مکان و زمان صورت می پذیرد، درک ذات واجب الوجود، خالق و صانع ماده، مکان و زمان همانند عدم امکان درک رنگ های مختلف برای فردی که از ابتدای تولد نابیناست مقدور نخواهد بود.

بنابراین وجود واجب الوجود با استفاده از دلایل عقلی، برهان و نقلی قابل اثبات بوده و صفات و آثار صانع را می توان در سایر براهین مورد بررسی قرار داد.

مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا جملگی توصیف کالفخار نیست

فکرت اندر ذات واجب شاه شاهان را به حیرت آورد

(ع- و)

آیا خداوند با توجه به هدفمندی خلقت سازوکار مناسب و بدون شائبه ای را برای هدایت و نجات بندگان تعیین و تبیین ننموده است؟

خالق هستی با عنایت به هدفمندی خلقت و از طرفی تحریف کتب مقدس، القای افکار و تعاریف انحرافی در معرفت شناختی، علم، عقل، دین، اخلاق، عدالت و حقیقت، بمنظور گشودن گره های ذهنی، هدایت الهی و برهانی در حوزه های معرفت شناختی، عقلانیت، دین، اخلاق و عدالت و حقیقت، کشف مصالح و مفاسد، منافع، مضار و نجات انسانها از پوچی، بیهودگی و بلاتکلیفی با فرستادن خاتم پیامبران و با استفاده از سازوکار مناسب، به منظور عدم امکان تحریف وحی، تبیین فلسفه خلقت، جاودانگی انسان، زندگی الهی انسانی، چگونگی و شرایط زندگی انسانی را تعیین نموده است.

قطع این مرحله بی همرهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

(حافظ)

آیا عدم توانایی عقل برای درک حقیقت، انتخاب برتر و صراط مستقیم با هدفمندی خلقت در تناقض خواهد بود؟

از آنجایی که پیش نیاز تمامی معارف و باورها عقل می باشد لازم است قبل از پرداختن به سایر موارد این مهم به اختصار مورد بررسی قرار گیرد برخی معتقدند آدمی چیزی جز روح اندیشمند نیست.

ای برادر تو همه اندیشه ای مابقی خود استخوان و ریشه ای

(مولوی)

تعریف عقل: به نظر من عقل نوری است در مرکز اندیشه (نفخت فیه من روحی) روشنایی بخش ارکان ادراکی از جمله حواس، حوزه حسی تجربی،افکار، تصورات و حافظه بوده، میزان بهره برداری از آن با تحصیل علوم بویژه عدم غفلت از خویش تناسب خواهد داشت در این ارتباط ظرف عقل(ذهن) نقش اصلی را ایفا خواهد نمود.

تا چراغ عقل نفروزی به دل هیچ از حکمت نیندوزی به دل

بنابراین امری است بدیهی، فطری، ذاتی که خالق هستی با توجه به اهداف خلقت، آدمیان را برای تشخیص حق و باطل از وجود این نور برخوردار نموده است و اما فلاسفه و علما برای عبور از محدوده مصطلح علمی یعنی حسی

تجربی به حوزه فراحسی و درک حقایق ماوراء فیزیک از پروسه استدلالی برهانی قیاس با استفاده از خط کش و شاقول منطق بهره برده اند در این ارتباط به دو نمونه قیاس منطقی که در مباحث، مورد اشاره قرار گرفته است اکتفا می شود.

مقدمه بدیهی اول: همه سیستم های منظم و هدفمند دارای طراح و سازنده می باشند.

مقدمه بدیهی دوم: اتمسفر هفت لایه زمین سیستمی است منظم و هدفمند.

نتیجه: اتمسفر کره زمین دارای طراح و سازنده می باشد.

مثال دوم مقدمه بدیهی اول: همه سیستم ها و ساختارهای هدفمند دارای طراح و ناظم می باشند.

مقدمه بدیهی دوم: جنین دارای سیستم و ساختاری است هدفمند (برای حیات در دنیای بعد از تولد)

نتیجه: جنین دارای طراح و ناظم می باشد.

در این مبحث از برهان، استدلال و منطق استفاده گردیده است چرا که مقدمات ۱ و ۲ بدیهی است بنابراین نتیجه نیز بدیهی خواهد بود.

قیاس کردم و تدبیر عقل در ره دوست

آنچه در آینه سینه بود، از مه اوست

(ع-و)

آیا مذهب راستین، پویا، زنده و جاودان، اسلام با محوریت قرآن است؟

خداوند در قرآن مجید انسانها را از پذیرش دستورهای غیر عقلانی و غیر برهانی منع فرموده است.

از جمله:

- أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (نمل، ۶۴)

کیست که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را (در قیامت) باز می‌گرداند و کیست که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ آیا با خداوند معبودی هست؟ بگو: اگر راست می‌گویید برهانتان را بیاورید.

- وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (یونس، ۱۰۷)

و اکثر این مردم جز از خیال و گمان باطل خود از چیزی پیروی نمی‌کنند در صورتی که گمان و خیالات موهوم هیچ از حق بی‌نیاز نمی‌گرداند (و به علم یقین نمی‌رساند) و خدا به هر چه این کافران می‌کنند آگاه است.

- وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ إِنّ السّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلّ أُولَئِکَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (الاسراء، ۳۶)

و از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن، چون گوش و چشم و دل، همه‌ی اینها مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.

در قسمت پایانی بسیاری از آیات قرآن، آدمی به تفکر و تعقل دعوت گردیده است در این ارتباط پذیرفتن اصول اسلام از سوی مسلمانان بدون استدلال و برهان تقبیح گردیده است لذا از آنجایی که هسته اصلی یعنی اصول، عقلانی است، با حفظ هسته اصلی، پوسته آن می تواند در قالب قواعد تعریف شده متناسب با شرایط روز سعادت و تعالی انسان را تضمین نماید.

قرآن مجید(کلام وحی) حتی بدون یک حرف کاستی یا افزایش، دقیقاً آنگونه که بر پیامبر گرامی اسلام نازل گردیده است امروز در اختیار ما است.

دلایل عدم تحریف: با توجه به آیات کتب مقدس تورات و انجیل خداوند کتاب هدایت (قرآن مجید) را توسط حضرت جبرئیل بر خاتم پیامبران نازل و با استفاده از راهکارهای الهی بدون تحریف در اختیار بشریت قرار داد.

- وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنا بَعْضَ الْأَقاوِيلِ «۴۴» لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْيَمِينِ «۴۵» ثُمَّ لَقَطَعْنا مِنْهُ الْوَتِينَ «۴۶» فَما مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حاجِزِينَ «۴۷» وَ إِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ «۴۸» وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ «۴۹» وَ إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكافِرِينَ «۵۰» وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ «۵۱» فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ «۵۲»
(حاقه)

و اگر پیامبر بعضی گفتارهای ساختگی را به ما نسبت دهد، قطعاً او را با قدرت (و به قهر) می‌گرفتیم. سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم. و هیچ یک از شما نمی‌توانست سپر او شود. همانا این قرآن برای اهل تقوا وسیله تذکّر است. و ما می‌دانیم که بعضی از شما تکذیب کننده قرآنید. و بی شک (این تکذیب در قیامت) بر کافران حسرتی خواهد بود. و همانا آن، حق و یقینی است. پس با نام پروردگار بزرگت به تسبیح پرداز.

- أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيراً (نساء، ۸۲)

آیا در قرآن از روی فکر و تأمل نمی نگرند؟ و اگر از جانب غیرخدا بود در آن اختلافی بسیار می یافتند.

کلام وحی پس از دریافت توسط پیامبر گرامی اسلام عیناً در اختیار کاتبان و حافظان وحی از جمله امام علی(ع) قرار می گرفت از آنجایی که وظیفه اصلی ائمه علیهم السلام (بال دوم قرآن و اسلام) پاسداری از اسلام و قرآن تعیین گردیده است امام علی(ع) ضمن ارائه برخی دستورالعمل ها مجموعه قرآن را توسط یکی از شیعیان معروف به نام ابوالاسود دوئلی اعراب گذاری و پس از تأیید به عنوان قرآن کامل در اختیار همگان قرار گرفت.

برخی تأییدات قرآنی:
- إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده، ۵۵)

ولیّ امر و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می‌دهند (به اتفاق مفسّران مراد علی علیه السّلام است).

خداوند در این آیه اطاعت از امام المتقین حضرت علی (ع) را در ردیف اطاعت از پیامبر و خود قرار داده است.

- الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي (مائده، ۳)

امروز (به عقیده امامیه و برخی اهل سنّت روز غدیر خم و خلافت علی (ع) است) دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم.
که در روز غدیر پیامبر گرامی اسلام بر اساس دستور الهی امام اول مسلمین حضرت علی (ع) را در راستای تکمیل ، اتمام دین و نعمت الهی معرفی نمودند.

- إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (احزاب، ۳۳)

همانا خداوند می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

- فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَکُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَکُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْکَاذِبِینَ (آل عمران، ۶۱)

پس هر کس با تو درباره عیسی در مقام مجادله برآید بعد از آنکه به احوال او آگاهی یافتی، بگو: بیایید ما و شما فرزندان و زنان و کسانی را که به منزله خودمان هستند بخوانیم، سپس به مباهله برخیزیم (در حق یکدیگر نفرین کنیم) تا دروغگویان (و کافران) را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.

مأمون خلیفه عباسی دلیل ولایت امام علی (ع) را از امام رضا (ع) سؤال نمود امام در پاسخ فرمودند بسم الله الرحمن الرحیم انفسنا
اشاره به امام علی (ع) در آیه فوق می باشد.

- وَمَا آتَاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ (حشر، ۷)

(از اموال و احکام و معارف دینی) آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است.

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِى شَىْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِکَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (نساء، ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید این (کار) برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

نقطه عشق نمودم به تو هان سهو مکن

ورنه چون بنگری از دایره بیرون باشی

(حافظ)

- وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى (نجم، ۳) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْىٌ يُوحَى (نجم، ۴)

و هرگز به هوای نفس سخن نمی‌گوید.(۳) سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست.(۴)

پیامبر گرامی اسلام با معرفی ائمه (ع) به عنوان بال دوم اسلام ضمن معرفی مفسران اصلی قرآن امکان تحریف کتاب خدا را سلب نمودند.

- إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، کِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی؛ أَهْلَ بَیْتِی وَ إِنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی یَرِدَا عَلَیَّ الْحَوْضَ

من در میان شما دو چیز سنگین و گرانبها می گذارم، تا وقتی که به آن دو تمسک جویید هرگز گمراه نخواهید شد. قرآن و عترتم و این دو هرگز از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من درآیند.

- إنّما مَثَلُ أهلِ بَیتی فیکُم کمَثَلِ سَفینَهِ نُوحٍ ؛ مَن دخَلَها نَجا و مَن تَخَلّفَ عَنها غَرِقَ

مَثَل اهل بیت من در میان شما مَثَل کشتی نوح است، هر کس به این کشتی داخل شود نجات می یابد، و هر کس جا بماند، غرق می شود.

ای دل از سیل فنا بنیاد هستی برکند

چون تو را نوح است کشتیبان ز طوفان غم مخور

(حافظ)

ضمناً آیات تحدی در قرآن مؤید این مطلب است که قرآن فرازمینی و از جانب خداوند می باشد.

- سمعت رسول الله صلی الله علیه وآلِهِ وَ سَلَم یَقولُ: "عَلِیٌّ مَعَ القُرآنِ وَ القُرآنُ مَعَ عَلِیٍّ، لَن یَفتَرِقاحَتّی یَرِدا عَلَیَّ الحَوضَ"

علی با قرآن و قرآن با علی است، این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر من درآیند.

توبه نتوان کرد از می تا شراب ناب هست

از تیمم دست باید شست هرجا آب هست

(صائب)

- أنتَ مِنّی بِمَنزلةِ هارونَ مِنْ مُوسی، اِلّاأنــّه لانَبیّ بَعدی

تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی جز اینکه بعد از من پیامبری نخواهد بود.

از آنجایی که مأموریت اصلی ائمه علیهم السلام (حافظان و مفسران اصلی قرآن) پاسداری از اسلام و قرآن بوده، همواره در احادیث، روایات،

نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، جلسات تفسیر و پاسخگویی به فلاسفه و دانشمندان همواره مؤید این مجموعه از وحی به عنوان قرآن کامل بوده اند.
ثانیاً تمامی قرآن های موجود در جهان بدون حتی یک حرف کم و بیش دقیقاً همانند می باشد.

ثالثاً با توجه به سازوکار الهی پاسداری و تأییدات مستمر ائمه(ع) خداوند منان نیز عدم تحریف قرآن را تضمین نموده است.

- إِنّا نَحْنُ نَزّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر، ٩)

البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم آن را محققا محفوظ خواهیم داشت.

خطاب قرآن برای همه جهانیان و همه عصرهاست.

از جمله:

وعده ارسال پیامبر خاتم در کتب اصلی تورات و انجیل به منظور هدایت، تعیین راه رستگاری و گشودن قفل ها و زنجیرها و گره های ذهنی انسانها.

- الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (اعراف، ۱۵۷)

هم آنان که پیروی کنند از آن رسول (ختمی) و پیغمبر امّی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشان و اوصاف) او را نگاشته می‌یابند که آنها را امر به هر نیکویی و نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال، و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند، و احکام پر رنج و مشقتی را که چون زنجیر به گردن خود نهاده‌اند از آنان برمی‌دارد (و دین آسان و موافق فطرت بر خلق می‌آورد). پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند.

قابل ذکر است علت اصلی مسلمان شدن فخر الاسلام (عالم مسیحی) در کتاب انیس الاعلام، دسترسی وی به انجیل اصلی و تطبیق مشخصات پیامبر خاتم در انجیل و قرآن قید گردیده است.

- يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (اعراف، ۳۵)

ای فرزندان آدم، چون پیغمبرانی از جنس شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند، پس هر که تقوا پیشه کرد و به کار شایسته شتافت هیچ ترس و اندوهی بر آنها نخواهد بود.

بدیهی است، تمامی فرزندان حضرت آدم ابوالبشر مورد نظر می باشد.

هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم   (حافظ)

- وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيراً وَنَذِيراً وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سبا، ۲۸)

و ما تو را جز برای اینکه عموم بشر را (به رحمت خدا) بشارت دهی و (از عذابش) بترسانی نفرستادیم، و لیکن اکثر مردم (از این حقیقت) آگاه نیستند.

بسیاری از آیات قرآن مجید با یا ایها الناس (خطاب به همه انسانها) آغاز گردیده است.

عدم تناسب برخی آیات پیچیده قرآن با توجه به دانش و درک انسانهای زمان نزول قرآن حاکی از آن است که کشف حقایق علمی آیات مزبور که نمونه هایی از آنها در ادامه خواهد آمد برای آیندگان ارائه گردیده است.

تقویت باور قرآن توسط دانشمندان و فلاسفه متناسب با دست آوردها و اکتشافات علمی

متناسب با پیشرفت های علمی در حوزه های مختلف و افزایش ظرفیت های عقلانی، باور دانشمندان و فلاسفه به آیات الهی قرآن مجید افزایش می یابد در این ارتباط پیگیری آیات معاد (زندگی پس از مرگ) به عنوان مهمترین سؤال بشری اجتناب ناپذیر خواهد بود. قبل از بررسی چند نمونه از آیات، اشاره به فرمایش امام علی (ع) خالی از لطف نخواهد بود.

- لَو لَم یَنهَ اللّهُ سُبحانَهُ عَن مَحارِمِهِ لَوجَبَ أنْ یَجتَنِبَها العاقِلُ

اگر خدای سبحان از ناروا نهی نمی کرد بر خردمند لازم بود که از آنها دوری کند.

بنابراین اگر خداوند خط قرمزهای خروج از انسانیت (حرامها) را مشخص نفرموده بود و عقل بشری از اشراف کافی برخوردار بود عقل انسان اقتضا می کرد با توجه به آثار منفی حرامها از آنها دوری کند لذا وحی نوری است که شرایط را برای تسهیل درک و دریافت عقول فراهم می آورد مثلاً بدون توجه به فهرست حرامها در قرآن مجید آثار منفی بدعهدی، دروغ، تهمت، غصب مال دیگران برای همگان آشکار و محرز می باشد یا آثار منفی شرب

الکل و شراب در جسم و روح آدمی توسط اطباء اثبات گردیده است. مثال دوم این که در قرآن گوشت خنزیر حرام منظور گردیده است.

- إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (بقره، ۱۷۳)

به تحقیق، خدا حرام گردانید بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه را که به اسم غیر خدا کشته باشند، پس هر کس که به خوردن آنها محتاج و مضطر شود در صورتی که به آن تمایل نداشته و (از اندازه رمق) تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود (که به قدر احتیاج صرف کند که) محققا خدا آمرزنده و مهربان است.

حرام بودن این گوشت در چهارده قرن قبل از سوی خداوند سبحان بر پیامبر گرامی اسلام وحی و مضرات آن در قرن اخیر پس از پیشرفت در علوم آزمایشگاهی و پزشکی اثبات گردیده است.

مثال سوم: بِسْمِ اللّهِ الرّحْمَنِ الرّحِيمِ اذا الشمس کوّرت ... (تکویر)

چون خورشید بی فروغ شود و چون ستارگان فرو ریزند و چون کوهها از جای خود روان شوند ... و این کتاب پندی است برای جهانیان برای هرکس

از شما که بخواهد به راه راست افتد و شما نمیخواهید مگر آنچه را که پروردگار جهانیان خواسته باشد.

در این سوره به روزی که خورشید بی فروغ و قیامت برپا می گردد اشاره شده است قطعاً درک خاموش شدن خورشید برای آدمیان چهارده قرن پیش مقدور نبوده حتی امروز نیز در بعضی کشورها مانند هند برخی خورشید را که روزی پایان خواهد یافت پرستش میکنند. امروز با پیشرفت علم حتی میزان سوخت و کاهش وزن خورشید در هر ثانیه محاسبه و قطعیت پایان خورشید در آینده اعلام گردیده است. مثال چهارم آیات ۱۳،۱۴،۱۵و۱۶سوره نوح:

- مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (۱۳)

چرا در ملاحظات و محاسبات خود خداوند را در نظر نمی گیرید.

- وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (۱۴)

و حال آنکه شما را مرحله به مرحله خلق کرده است

- أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵)

مگر ملاحظه نکرده اید که چگونه خدا هفت آسمان را تودرتو آفریده است

- وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا (۱۶)

و ماه را در میان آنها روشنایی بخش گردانید و خورشید را [چون] چراغی قرار داد

در حالیکه پیدایش هدفمند و شگفت انگیز شما را از یک هسته اولیه به طورهای مختلف یعنی نطفه، علقه، مضقه و غیره رقم زد که توضیح مختصر آن قبلاً آمد. (و اما اگر همچنان در وجو خالق مردد هستید به آسمان بنگرید)

آیا به کیفیت و چیدمان هفت لایه اتمسفر زمین که نقش حفاظتی و حمایت حیات را به عهده دارد نمی نگرید ماه را به صورت نور در این طبقات قرار داده و خورشید را بصورت چراغ، در این آیه اولاً خداوند صفات قمر و خورشید را تفکیک نموده است چرا که ماه را به عنوان نور که مانند آینه حالت انعکاسی خواهد داشت معرفی و خورشید را به عنوان چراغ که تشعشعات آن از خود و تابنده نور می باشد اعلام کرده است. نکته دیگر در

آیه وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِیهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا بدون اشاره به محل خورشید مکان ماه را درون اتمسفر زمین مشخص فرموده است و امروز بر اساس آخرین اکتشافات علمی اثبات گردیده است که ماه در لایه هفتم جو یعنی مگنوتسفر قرار گرفته و خورشید خارج از این طیف می باشد.

همانطوری که قبلاً نیز اشاره گردید این آیات مربوط به چهارده قرن قبل بوده و باور این شگفتی ها در عصر علم و فضا باعث افزایش ایمان قرآن پژوهان و دانشمندان گردیده است.

مثال پنجم: إِنَّا زَیَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْیَا بِزِینَةٍ الْکَوَاکِبِ (صافات، ۶)

ما آسمان دنیا (نزدیک تر) را به زینت ستارگان آراستیم.

بر اساس اکتشافات علمی قرن اخیر زیبایی های مورد اشاره منحصر به فضای زیرین جو یعنی آسمان دنیاست. آری همانطوری که در کتاب های متعدد علمی آورده شده است رنگ لاجوردی آسمان، شفق سرخ رنگ و تلألو ستارگان حرکت زیبای ابرها و .... خاص طبقه زیرین جو می باشد که به دلیل غلظت و ویژگی هوا امکان تجزیه نور و زینت مورد اشاره فراهم می گردد در صورتی که آسمان خارج از جو زمین سیاه رنگ و ساکت به نظر میرسد.

مثال ششم: مرحله تکمیل زمانی هفت آسمان

بر حسب آنچه اخترشناسان می گویند، به ندرت ستاره ای را می توان یافت که همچون زمین دارای جو باشد. زمین نیز در آغاز اتمسفر امروزی را نداشت و طی فرآیندی از چرخه حیات گیاهی، به تدریج جو امروزی را پیدا کرد. این هم از معجزات شگفت آور قرآن است که این نکته را نیز ناگفته نگذاشته است:

- قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۹) وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ (۱۰) ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (۱۱) فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۱۲) (فصلت، ۹-۱۲)

بگو چرا (نقش) خدائی را که زمین را در دودوران آفرید، نادیده می گیرید و برای او همتایانی قرار می دهید؟ این است صاحب اختیار و سرور جهانیان (نه دیگری).(۹) و طی چهاردوران، کوه های ثابت را روی زمین پدید آورد و در آن برکت نهاد و مواد غذائی آن را متناسب با نیاز و درخواست(تکوینی موجودات) اندازه نهاد.(۱۰) آن گاه به (تکمیل و تنظیم) آسمان پرداخت، در حالی که هنوز گازی شکل بود و به آسمان و زمین (به زبان آفرینش) گفت:

خواه وناخواه (به نظم و ترتیب) درآئید. گفتند: با میل و رغبت به (قبول) نظم در آمدیم.(۱۱) سپس آن توده گاز را طی دو دوران به (صورت) هفت آسمان تقدیر کرد و به هر آسمانی برنامه اش را وحی کرد؛ (به این ترتیب که) آسمان نزدیکتر را با چراغهائی آراستیم و محفوظ داشتیم. این است تقدیر (اندازه گذاری و نظم) خدای فرا دست دانا.(۱۲)

آری بسیاری از آیات قرآن در عین سادگی حاوی پیام های بلندی است که حقیقت آن متناسب با پیشرفت معارف و دانش بشری آشکار می شود. علاقمندان می توانند برای آگاهی از برخی موارد مزبور به کتاب مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم تالیف دکتر موریس بوکای ترجمه مهندس ذبیح اله دبیر مراجعه نمایند.

بنابراین با یک قیاس برهانی ساده میتوان گفت:
مقدمه بدیهی اول: هر آنچه در قرآن مجید تعیین گردیده است حقیقت است.
مقدمه بدیهی دوم: نحوه حیات بعد از توفی در قرآن مجید تعیین گردیده است.
نتیجه: نحوه حیات بعد از توفی در قرآن مجید حقیقت است.
از آنجایی که بنابر اختصار می باشد صرفاً به برخی آیات در این خصوص اشاره می شود.

- «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ لَارَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (نساء، ۸۷)

خداست که هیچ معبودی جز او نیست. مسلماً شما را (از گورهایتان) به سوی (دادگاهِ حسابرسی) روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست گرد می آورد و راستگوتر از خدا در گفتار کیست؟

تأمل در این آیه با توجه به ۵ بار تأکید برای معاد و قیامت ضروری است:

۱- لَ درابتدای لیجمعنکم

۲و ۳- نون مشدد (تأکید ثقیله) در واژه لیجمعنکم

۴- لا ریب فیه

۵- مَن اصدَقُ من الله حدیثا

- «... إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (طور، ۱۶)

... جز این نیست که بدانچه می کردید مجازات می شوید.

- «وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (عنکبوت، ۵۴)

بدون تردید هم اکنون دوزخ بر کافران احاطه دارد

- يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (الطارق، ۹)

روزی که اسرار باطن شخص آشکار شود.

- يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (ال عمران، ۳۰)

روزی که هرکس آنچه را از کار نیک انجام داده و آنچه را از کار زشت مرتکب شده حاضر شده می یابد و آرزو می کند که ای کاش میان او و کارهای زشتش زمان دور و درازی فاصله بود و خدا شما را از (عذاب) خود بر حذر می دارد و خدا به بندگان مهربان است.

آری روح آدمی در بدن قبل از خروج، مانند فیلم عکاسی است درون دوربین، قبل از ظهور؛ با این تفاوت که فیلم عکس بعد از خروج از دوربین و قرار گرفتن در مواد عکاسی تبدیل به عکس می شود و روح آدمی بعد از خروج از بدن بلافاصله در برزخ قرار گرفته و متناسب با عملکرد خیر و سوء در قالب دستورات قرآنی عینیت یافته و به حیات برزخی خود ادامه می دهد. (بدون تشابه، مانند خروج طفل از رحم و ورود به رحم ثانی یعنی دنیا)

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک

چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

(مولوی)

آنگونه که در برخی کتاب ها آمده است برخی توانسته اند و می توانند باطن افراد را مشاهده نمایند ضمناً بررسی کتب تجربه های نزدیک به مرگ و عنایت به رویاهای صادقه خالی از لطف نخواهد بود.

ضمناً همانطوری که دانه در خاک متناسب با ژن ها و کد DNA به گیاه یا درخت تبدیل می شود، امروز بعد از پیشرفت در علوم مربوط توانسته اند با استفاده از DNA انسان که دارای کد مشخصی است، دقیقاً اعضا و اندامهای همان فرد را بسازند. آری باز تولید آدمیان (مهندسی معکوس) با توجه به کدهای مشخص افراد با نظر به: و هوأهون علیه (که بازگشت شما حتی از آغاز ساده تر و آسان تر است، چون در آغاز هیچ نبودید و اکنون استخوان پوسیده یا خاک لااقل از شما موجود است)، با اراده خداوند محقق خواهد شد.

- أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ (۳) بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ (۴)
(قیامه، ۳-۴)

آیا انسان می پندارد که استخوان های او را (بعد از مرگ) جمع نمی کنیم؟(۳) بلکه ما قادریم (خطوط سر) انگشتان او را (بار دیگر) درست کنیم(۴)
درک و ترجمه صحیح این آیه حدودا یکصد و چهل سال قبل، از طریق کشف تفاوت خطوط سر انگشتان میسر گردید.

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست
چرا به دانه انسانت این گمان باشد
(مولوی)

اسلام بر اساس فطرت آدمی است.

- فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَلَکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ (روم، ۳۰)

پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در آفرینش خدا نیست، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

و مقررات شرعی با طبیعت آدمی، هستی و نظام تکوین هماهنگ و فاقد افراط و تفریط می باشد. با توجه به عقلی و ذاتی بودن حسن و قبح و عدالت و ظلم نزد عقلای جهان و از این منظر تفکیک اعمال خیر و سوء در قرآن مجید و شناخت دقیق مفاهیم، ملاک ها، معیارها و مصادیق مزبور که ابدیت انسان را تحت تأثیر قرار می دهد، همسویی فطرت و سرشت آدمی ضروری واجتناب ناپذیر خواهد بود. به همین دلیل

- ان الدین عندالله الاسلام(آل عمران،۱۹) دین در نزد پروردگار، اسلام (تسلیم بودن در برابر حق) است.

- «وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»
(آل عمران، ۸۵)

و هر که جز اسلام، دینی طلب کند، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است.

همانا دین (جزای خیر و سوء) مبتنی بر اسلام (رعایت دستورات قرآنی) است.

تکون فطرۀ الله حنیفاً بی بدیل است

طریقت تا حقیقت با هدیناه السبیل است

(ع-و)

آثار علمی اسلام

بدون شک غرب در تمدن، هنر، معماری و زمینه های علمی از جمله پزشکی، شیمی، فیزیک، نجوم و ریاضی مرهون و مدیون اسلام است.

برخی تاریخ نگاران غربی و اروپایی در کتاب های خود به این موضوع صراحتاً پرداخته اند.

اسلام برای تمامی ابعاد زندگی انسان دارای دستورالعمل می باشد.

از آنجایی که دستورالعمل ها و قوانین اسلام با محوریت قرآن مجید و در راستای اهداف خلقت تبیین و تعیین می گردد در این ارتباط اجتهاد و استنتاج متناسب با آخرین یافته های علمی و شرایط روز دنیا بهترین خواهد بود لذا به منظور اختصار با اشاراتی کوتاه به یکی از ابعاد مزبور (نحوه حکومت داری در اسلام) بسنده می شود.

- إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا (نساء، ۵۷)

شایسته ترین افراد برای حکومت و مدیریت آنانی هستند که توانایی لازم از جهت عقلانیت، دانش، تخصص مرتبط، تعهد، تقوای عملی و اجرای عدالت را با محوریت قرآن مجید دارا باشند.

در این ارتباط سیره و دکترین امام علی(ع) به عنوان الگوی عملی در اختیار ما می باشد.صرفاً به چند فراز بسیار کوتاه از فرمایشات ایشان اکتفا می شود.

- به خداوند سوگند در مدتی که حکومت کردم نیز، حتی یک دروغ نگفتم.

- در مدت حکومت هیچ امری را از شما پنهان نکردم و همه امور را بصورت شفاف با شما درمیان گذاشتم مگر مسائل امنیتی (به لحاظ امکان سوءاستفاده دشمن)

- مسئولین حکومت اسلامی نباید در سطح بالاتر از محرومین جامعه زندگی کنند و رضایت توده مردم را بر رضایت خواص و اقوام و صاحبان قدرت، ثروت و احزاب ترجیح و خشم توده ها را با خشونت صاحبان قدرت زر و زور و خواص عوض نکنند و اگر مردم به عملکرد آنان سوء ظن پیدا کردند به صورت عریان واقعیت ها را مطرح و به شعور مردم احترام بگذارند.

- ای مردم امروز با دست خالی وارد حکومت شدم و آن روزی که از حکومت بیرون می روم اگر اموالی بیش از امروز داشتم بدانید که به شما خیانت کرده ام.

- در برنامه ریزی ها دقیق و آینده نگر باشید که گویا تا ابد زنده هستید و از حیث انسانی به صورتی زندگی کنید که گویا روز آخر عمر شماست.(آیا فقر نرم افزاری، عدم مدیریت علمی و بلند مدت، نبودن اتاق فکر و فرمان واحد، عدم تعهد و کوته اندیشی، از عمده مشکلات محسوب نمی شود؟)

- به خداوند سوگند اگر حسن و حسین هم به بیت المال دست درازی می کردند با زبان شمشیر با آنان سخن می گفتم.

- من به عنوان حاکم چگونه آرام بخوابم در صورتی که احتمال دارد فردی در گوشه ای از حجاز شب را گرسنه سر بر بالین بگذارد.

ضمناً در فلسفه انتظار مقایسه عملکرد دولت ها با سیره و دکترین امام علی(ع) که قطعاً حضرت بعد از ظهور، مشی و نهج جد بزرگوار خویش (امام علی(ع)) را پی خواهند گرفت ضروری و سازنده خواهد بود.

قرآن مجید برای تحصیل حقیقت و انتخاب برتر، راهکار ارائه نموده است.

قرآن مجید به رغم مکاتب و اندیشه های بشری از جمله مسیحیت، لیبرالیزم دینی و غیر دینی برای تحصیل حقیقت و انتخاب برتر در حوزه های مختلف راهکار ارائه نموده است چرا که اولاً خلقت آدمی هدفمند است و عدم ارائه راهکار مناسب برای رسیدن به حقیقت نافی غرض خداوند خواهد بود.

- ... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ(نحل، ۸۹)

تبیان بودن قرآن یعنی قرآن کریم هر آنچه در حوزه مسئولیت دین است بیان نموده و هر آنچه که مربوط به هدایت انسان ها می شود تبیین نموده است.

دوم: خداوند در سوره تین به دو نمونه از گیاهان (انجیر و زیتون) که در شرایط بسیار دشوار با امکانات حداقلی از جهت نیازهای اولیه(آب و خاک) که مفیدترین ثمرات را عرضه می کنند و نیز به دو نمونه از سرزمین های مقدس که در سخت ترین شرایط بزرگ ترین و مؤثرترین انسانهای تاریخ را در خود پرورش داده اند سوگند می خورد که

- لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

در میان تمامی موجودات شما آدمیان را مقاوم ترین و مستعدترین از جهت رشد، تعالی و کمال گرایی(نفخت فیه من روحی) آفریدم.

سوم: با توجه به ابتدای بسیاری از آیات قرآن مجید که انسان را به تفکر و تعقل دعوت می کند (از جمله سوره زمر آیه ۱۷ و ۱۸ که در ادامه خواهد آمد) عقل آدمی به عنوان رسول باطنی توانایی انتخاب برتر را خواهد داشت.

چهارم: صراط حقیقت و ساز و کارهای مورد نیاز به منظور انتخاب برتر در حوزه های مختلف در قرآن مجید ارائه گردیده است.

- «فَبَشِّرْ عِبَادِ (۱۷) الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولئِکَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِکَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۷ و ۱۸)

پس به بندگانم مژده ده، آنان که القول (سخن حق و نیکو) را می شنوند و از نیکوترینش پیروی می‌کنند، ایناند کسانی که خدا هدایتشان کرده، و اینان همان خردمندانند.

در این آیه ال در ابتدای القول یعنی بعد از ایمان به قرآن مجید به این نتیجه خواهیم رسید که وصول حقیقت و انتخاب برتر در حوزه های مختلف صرفاً با محوریت قرآن مقدور خواهد بود و خداوند این گونه بندگان خود را به هدایت راستین بشارت می دهد در این ارتباط در صورت عدم شناخت کافی از دین و قرآن استفاده از نسخه کارشناسان حاذق و کارآمد و متخصص از میان خودتان(اولی الامر منکم) مورد تأکید قرار گرفته است.

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِی شَیْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء، ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولی‌الامر را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید این (کار) برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

نکته: جان لاک یکی از پدران جامعه مدنی لیبرال و ایدئولوژی دموکراسی غرب در کتاب خود آورده است آنجا که قوانین موجود پاسخگوی برخی معضلات و مشکلات نیست، لاجرم حاکمیت اختیار خواهد داشت این مشکل را برطرف نماید در چنین شرایطی این تصمیم فراقانونی، قانون محسوب

می شود این راهکار در همه کشورها اجرا می شود و این امر در قانون جمهوری اسلامی به عهده ولی فقیه می باشد با این تفاوت که این تصمیم فرا قانونی توسط ولی فقیه باید مبتنی بر قرآن و عدالت باشد و در سایر کشورها ممکن است بر اساس سلیقه های شخصی نیز اتخاذ گردد.

خداوند اراده نموده است در هستی تجلی نماید.

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد

(حافظ)

خداوند آدمیان را در قالب دستورهای سازنده الهی مشمول رحمت ابدی خویش قرار می دهد.

- إِلّا مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ وَلِذَلِکَ خَلَقَهُمْ ... (هود، ۱۱۹)

شریعت(عدالت، اخلاق و حقوق) قوانین و راهکارهای هدایت و رستگاری را باید از طریق قانونگذار(خالق) شناخت تا بتوان با آگاهی، مسیر رشد، تعالی و نجات را طی نمود در این ارتباط دستورالعمل های کاربردی، زیبا و منحصربه فرد صحیفه سجادیه که در قالب ادعیه ارائه گردیده است بسیار راهگشا خواهد بود.

آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست

عالمی دیگر بباید ساخت و از نو آدمی

(حافظ)

- وَتِلْکَ الْجَنَّةُ الَّتِی أُورِثْتُمُوهَا بِمَا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (زخرف، ۷۲)

استعداد بهشتی شدن در وجود همه ما نهادینه شده که می توان به فعلیت رساند.

از طرفی خداوند در سوره شمس بعد از هفت سوگند به منظور توفیق در طی طریق و حضور در صراط مستقیم می فرماید تزکیه مهمترین دستور الهی برای تقویت زمینه فلاح و رستگاری خواهد بود و نیز در قرآن یکی از مهمترین اهداف ارسال رسل، تزکیه می باشد.

- هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَإِنْ کَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُبِینٍ(جمعه، ۲)

اوست خدایی که میان عرب امّی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می‌کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک می‌سازد و شریعت و احکام کتاب سماوی و حکمت الهی می‌آموزد و همانا پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند.

اهمیت نماز

- وَاسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَکَبِیرَةٌ إِلَّا عَلَی الْخَاشِعِینَ (بقره، ۴۵)

و یاری جویید از خدا به صبر و نماز، که نماز (با حضور قلب) امری بسیار بزرگ و دشوار است مگر بر خداپرستان فروتن.

آری اساس همه مشکلات آدمی غفلت می باشد لذا از این منظر ارزشمندترین وظیفه غفلت زدایی است به همین دلیل محبوب ترین اعمال بعد از ایمان به توحید از سوی پروردگار، نماز (مناسب ترین و زیباترین روش غفلت زدایی) تعیین گردیده است.

و اما برای موفقیت و مدیریت در هر امری رعایت سه اصل الزامی است:
۱- تعیین هدف   ۲- راه رسیدن به هدف   ۳- ابزار مناسب

در این مقوله اصل اول(هدف) غفلت زدائی است(کیستم؟ به کجا می روم و مشاهده حقیقت). در این قضیه اصل سوم (ابزار)، شخص انسان خواهد بود.

ای نسخه نامه الهی که تویی   وی آینه جمال شاهی که تویی

بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست

از خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

(مولوی)

و اما تحقق اصل اول منوط است به تقویت و ارتقای حواس ظاهری و تحصیل حواس باطنی چرا که

پنج حسی هست جز این پنج حس

و آن چو زر سرخ و این حس ها چو مس

(مولوی)

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

(حافظ)

و اما تحقق اصل دوم مستلزم احراز شرایط ذیل خواهد بود:

۱- کاهش دلبستگی به طبیعت و دنیا

تو کز سرای طبیعت نمی روی بیرون

کجا به کوی حقیقت گذر توانی کرد

(حافظ)

بذل جاه و مال و ترک نام و ننگ

در طریق عشق اول منزل است

(سعدی)

۲- تمرین و ممارست در عشق ورزی

حافظ هر آنکه عشق نورزید و وصل خواست

احرام طوف کعبه دل بی وضو ببست

طبیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک

چو درد تو نبیند که را دوا بکند

(حافظ)

ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست

عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

(حافظ)

۳- جهت یابی

گرچه راهی است پر از بیم زما تا بر دوست

رفتن آسان بود ار واقف منزل باشی

(حافظ)

در ره عشق وسوسه اهریمن بسی ست

پیش آی و گوش دل به پیام سروش کن

(حافظ)

۴- رفع موانع، منیت ها و غبار روبی دل

خلوت دل نیست جای صحبت اضداد

دیو چو بیرون رود فرشته درآید

(حافظ)

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست

تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی

غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد

(حافظ)

۵- تزکیه

قد افلح من ذکیها و مهمترین وظیفه پیامبران به منظور امکان تعلیم کتاب و حکمت تزکیه منظور گردیده است.

روی جانان طلبی آینه را قابل ساز

ور نه هرگز گل و نسرین ندمد ز آهن و روی

(حافظ)

غسل در اشک زدم که اهل طریقت گویند
پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک انداز
(حافظ)

۶- مشاهده و اطمینان
نفس لوامه ز نور الحسیب آکنده است
این نگین در روشنای لوح دل تابنده است
(ع- و)

سالک از نور هدایت ببرد راه به دوست
که به جایی نرسد گر به ضلالت برود
(حافظ)

۷- شناخت نسبی خود(من عرفه نفسه فقد عرفه ربّه) و روشنایی ضمیر آدمی
چندان بنشینم که برآید نفس صبح
کان وقت به دل می رسد از دوست پیامم
(سعدی)

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد
و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد
گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است
طلب از گم شدگان لب دریا می کرد
(حافظ)

۸- وصل

دل چون کمال یافت نهد پای بر فلک
چون دانه خوشه گشت رجوعش به خرمن است
(صائب)

ز ملک تا ملکوتش حجاب برگیرند
هر آن که خدمت جام جهان نما بکند
(حافظ)

به وصل دوست گرت دست می دهد یکدم
برو که هرچه مراد است در جهان داری
(حافظ)

طریق عشق طریقی عجب خطرناک است

نعوذ بالله اگر ره به غایتی نبری

(حافظ)

مرا در ظلمات آنکه رهنمایی کرد

نماز نیمه شبی بود و گریه سحری

(حافظ)

مستغنی از دلیل بود هر که واصل است

در کعبه حرف قبله نما نشنود کسی

(صائب)

نظر برخی دانشمندان در مورد نماز و عبادت

- «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور، ۴۱)

آیا ندیدی تمام آنان که در آسمانها و زمینند برای خدا تسبیح می کنند و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده اند؟! هر یک از آنها نماز و تسبیح خود را می داند و خداوند به آنچه انجام می دهند داناست.

لئون دنی روح شناس فرانسوی می نویسد:

در زمین و آسمان و جهان آفرینش تمامی موجودات و مخلوقات به شکرانه‌ی حیات و موجودیت خود، هر یک با حال و زبانی به ستایش خداوندی اش مشغولند. درود و سپاس و تحسین و تقدیس خود را به مقام الوهیت عرضه می دارند که ما خاکیان از فهم اسرار آن عاجزیم.

بالاتر و والاتر از درودهای مخلوقات خاکی، تسبیحات سکنه‌ی سماوات و مخلوقات دنیاهای فلکی است که امواج قوی آن در اعلا علیین منتشر و پخش می گردد. فقط ارواح خجسته و ملائک و فرشتگان، مفاهیم عالی آن را درک می نمایند.

هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید   بلبل به غزلخوانی و قمری به ترانه
(شیخ بهایی)

- «وَإِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِی وَلْيُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره، ۱۸۶)

هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند، (بگو) یقیناً من نزدیکم، دعای دعاکننده را زمانی که مرا بخواند اجابت می کنم؛ پس باید دعوتم را بپذیرند و به من ایمان آورند، تا (به حق و حقیقت) راه یابند (و به مقصد اعلی برسند).

پروفسور ژول لابوم، محقق اندیشمند و پژوهشگر علوم اسلامی که قریب ۳۰ سال در زمینه‌ی قرآن تحقیق نموده و کتاب «تفصیل الآیات لقرآن الحکیم» از آثار گزیده‌ی این شخصیت است، درباره‌ی نماز و عبادت چنین می گوید: (اصل اول اسلام ایجاد ارتباط مستقیم میان خدا و انسان است؛ اسلام واسطه‌ی میان انسان و خدا را از میان برد و برای اولین بار ایجاد ارتباط مستقیم را میان این دو قطب اعلام کرد.)

قرآن می‌فرماید که خدا به بندگانش نزدیک است و دعایشان را پاسخ می‌گوید (آیه فوق).

در پذیرش عبادت لازم نیست که شخص از یک گروه مشخص مقام وساطت را میان مردم و خدا داشته باشد، بلکه هرانسانی می تواند خودش اعمال عبادی را انجام دهد.

او ادامه می دهد: "نمازهای پنجگانه از مظاهر همبستگی مذهبی است. آنگاه که بانگ توحید در فضای شهرهای اسلامی طنین می افکند،گرویدگان به اسلام با شنیدن آهنگ آسمانی اذان در دل روز یا شب هنگام، به سوی مراکز نیایش با آفریدگار هستی بخش می شتابند، این شیفتگان ایمان به خدا، در هر نقطه از جهان و از افقهای دوردست روی خود را به سوی نقطه ای واحد و کانونی مشترک، یعنی کعبه که در قلب مکه جای دارد، می گردانند."
(ایدئولوژی و فرهنگ اسلام از دیدگاه ژول لابوم، ص۶۶، ۶۷ و ۳۲۶.)

- «إِنّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (نساء، ۱۰۳)

همانا نماز بر مؤمنان واجبی همیشگی و تبدیل ناپذیر است.

- «وَأَنِ اعْبُدُونِی هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس، ۶۱)

تنها مرا بپرستید این راه مستقیم است.

مرحوم علامه طباطبائی مفسر بزرگ قرن فرموده اند:
"کربن معتقد بود که در دنیا یگانه مذهب زنده و اصیل که نمرده است مذهب شیعه است."

نیز می فرمود: "روزی به کربن گفتم در دین مقدس اسلام تمام زمین‌ها و مکان‌ها بدون استثناء محل عبادت است، اگر فردی بخواهد نماز یا قرآن بخواند یا سجده کند یا دعا کند در هر جا می تواند، بنابراین اگر فردی از مسیحیان در وقتی از اوقات حالی پیدا کرد مثلاً در نیمه شب در خوابگاه منزل خود است و خواست خدا را بخواند چه می کند؟ او باید صبر کند تا روز یک‌شنبه کلیسا را باز کنند، این معنی قطع رابطه‌ی بنده است با خدا.

کربن در پاسخ گفت: «بلی این اشکال در مذهب مسیح هست.» همچنین روزی به پروفسور کربن گفتم: اگر در دین مقدس اسلام، انسان حاجتمند حالی پیدا کند، طبق همان حال و حاجت خدا را می خواند اما در دین مسیح، خدا اسماء حسنی ندارد اگر شما مثلاً حالی پیدا کردید چه خواهید کرد؟!

وی در پاسخ گفت: «من در مناجاتهای خود صحیفه‌ی سجادیه را می‌خوانم.» کربن کراراً صحیفه‌ی سجادیه را می خواند و گریه می کرد."
(مهر تابان، یادنامه‌ی علامه طباطبائی آیت ا... طهرانی، ص۴۸)

دکتر مارکوس دودس می گوید: "دو خصلت نیکو و برجسته در مسلمانان هست که حقا آنها را بر عیسویان برتری داده و شایسته است که با داشتن این دو خصلت پیوسته بر خود بالیده و افتخار کنند.

یکی آن که کوچکترین شکی در اعتقاد به خدای یگانه، از خود نشان نمی‌دهند. و دیگر این که برای انجام شعائر مذهبی آن را در مکان معینی واجب نمی دانند. زیرا معتقدند خداپرستی و انجام فرائض مذهبی مانند نماز در همه جا ممکن و اختصاص به یک مکان ندارد."

(آئین اسلام، کویلیام، ص ۱۳۱، ۱۳۲، نتایج و فوائد دین ص ۲۲)

- «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد،۲۲)

و آنها که بخاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبایی می کنند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به آنها روزی داده ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می کنند و با حسنات، سیئات را از میان می برند؛ پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست.

مهاتما گاندی رهبر بزرگ هند، همو که جهان او را به عنوان آزادکننده‌ی هند از یوغ استعمار می شناسد، طرفدار «مبارزه منفی» بود و در راه آزادی هند مشکلات و سختی های فروانی مشاهده کرد و اگر با خدا ارتباط نداشت در مقابل آن همه مشکلات، فکر خود را از دست می داد و دیوانه می شد. گاندی با وجود جثه‌ی کوچک و نحیفش، استقامتی شگرف داشت وی زمانی به یک دانشمند مشهور غربی گفت:

اگر نماز نبود و با خدا ارتباط پیدا نمی کردم، به‌طور حتم سالها بود که دیوانه شده بودم.

بی ریاضت نتوان شهره‌ی آفاق شدن

مه چو لاغر شود انگشت نما می گردد

(صائب)

- «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْکَ مِنَ الْکِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت، ۴۵)

آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه باز می دارد و یاد خدا بزرگتر است و خداوند می داند شما چه کارهایی انجام می دهید.

دکتر الکسیس کارل (جراح و دانشمند و فیزیولوژیست فرانسوی و برنده جایزه نوبل قبلاً یکی از رهبران حزب کمونیست فرانسه بود. پس از تحقیق دین مسیحیت را اختیار کرد. سپس در پی مطالعات عمیق خود به دین اسلام مشرف گردید) می گوید:

دعا کردن، همچون خوردن و آشامیدن ضروری است. در اجتماعی که نیایش و دعا وجود نداشته باشد از فساد و زوال مصون نخواهند بود. آثار دعا و نیایش واهی و خیالی نیست.

نیایش علاوه بر این که آرامش به وجود می آورد، بطور کامل و صحیحی در فعالیت‌های مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی و گاه قهرمانی و دلاوری را تحریک می کند.

دنیای علم از دنیای نیایش متفاوت است، اما متباین نیست، لکن نتایج دعا و نیایش را می توان از روی علم دریافت؛ زیرا نیایش نه تنها بر روی حالات عاطفی بلکه بر روی کیفیات بدنی نیز اثر می کند و گاهی برای مدتی بیماری را بهبود می بخشد. این کیفیات هر چقدر غیر قابل درک باشد اما باید به واقعیت آنها معترف بود. نیایش به آدمی نیروی تحمل غمها و مصائب را می‌بخشد و انسان را امیدوار می کند و قدرت ایستادگی و مقاومت در برابر حوادث بزرگ رابه او می دهد.

دکتر دیل کارنگی روان شناس و بنیانگذار دانشکده روابط انسانی در نیویورک که در جهان متمدن کنونی در کار خود بی مانند است می گوید:

چرا موقعی که مشکلات، نیروی ما را نابود می کند و یا حوادث اراده های ما را ریشه کن می گرداند و بیشتر اوقات آنقدر دریأس فرو می رویم که خدا را هم فراموش می کنیم، به خود نمی آییم و آنقدر صبر می کنیم که یأس بر ما پیروز می شود؟! و چرا همه روزه، نیروهای خود را با نماز، حمد و دعا تقویت نمی کنیم و تجدید سازمان نمی دهیم؟! امروز جدیدترین علم یعنی روان پزشکی همان چیزهایی را تعلیم می دهد که پیامبران تعلیم می‌دادند چرا؟ به علت اینکه پزشکان روحی دریافته اند که دعا و نماز و داشتن

یک ایمان محکم به دین نگرانی، تشویش، هیجان و ترس را که موجب اکثر ناخوشی‌های ماست بر طرف می سازد.

- «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاهِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَهٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (بقره، ۴۵)

از صبر و نماز (برای حل مشکلات خود و پاک ماندن از آلودگی ها و رسیدن به رحمت حق) کمک بخواهید و بی تردید این کار جز بر کسانی که در برابر حق، قلبی فروتن دارند دشوار و گران است.

تیغ حلم از تیغ آهن تیزتر بل ز صد لشگر ظفر انگیزتر

(مولوی)

- «وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاهَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (اعراف، ۱۷۰)

و آنان که به کتاب (آسمانی) چنگ می زنند (و عملاً به آیاتش پای‌بندند) و نماز را برپا داشته اند (دارای پاداش هستند) یقیناً پاداش اصلاح گران را ضایع نمی کنیم.

- «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان، ١٧)

پسرم نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است.

دکتر الکسیس کارل می گوید:
نیایش، پرواز روح به سوی خداوند است. نیایش عروج روان انسانی به آستانه‌ی خداوندی می‌باشد. نیایش تجلی عشق و تجلی نیاز روح آدمی است. نیایش همچون امانتی همراه کسی است که غالباً خداوند را نیایش می کند. بارقه‌ی نور دعا و پرستش خداوند از سیما و نگاه نیایشگر، همواره ساطع است و آن را به هرجا که برود با خود می برد.

دعا و نماز قویترین نیروهایی هستند که انسانها می توانند ایجاد کنند، نیرویی است که چون قوه‌ی جاذبه زمین وجود حقیقی دارد.

در حرفه‌ی پزشکی، خود من انسان هایی را دیده ام که پس از این که تمام معالجات در ایشان مؤثر نیفتاد و مأیوس از دارو شدند، با نیروی دعا و عبادت و نماز از بیماری و مالیخولیا رهایی یافته اند. دعا و نماز چون رادیوم یک منبع نیروی مشعشعی است که خود به خود تولید می شود.

از راه دعا، بشر می کوشد نیروی محدود خود را با متوسل شدن به منبع نامحدودی چون خدا افزایش دهد. وقتی که دعا می خوانیم خود را به قوه‌ی محرکه‌ی پایان ناپذیری که تمام کائنات را به هم پیوسته است، متصل و مربوط می کنیم که قسمتی از آن نیرو به حوائج ما اختصاص داده می شود. به صرف همین استدعا، نواقص ما تکمیل می شود و با قدرتی بیشتر و حالتی بهتر از جای بر می خیزیم.

(اسلام از دیدگاه دانشمندان، علی آل اسحاق خوئینی، ج ۱، ص ۳۴، و روزنامه‌ی اطلاعات ش ۱۹۷۲۸)

دکتر ادوین فردریک پاوزر استاد امراض عصبی در ایالات متحده‌ی آمریکا می‌گوید:

اگر چه ممکن است بسیاری از امراض معده را در کوتاه ترین مدت که باورکردنی نیست، درمان کرد اما صرف نظر ازمعالجاتی که در عصر ما وجود دارد، معجزات دیگری در بهبودی امراض مانند فلج و زمین گیری، آشکار می‌شود که هیچ نوع معالجه ای و یا جراحی و یا پسیکولوژی و یا تحریکات دیگر در آن اثر نداشته است.

ما می بینیم هزاران حالت برای مریض پیش آمده که مشهورترین پزشکان و باهوشترین طبیبان کمترین امیدی برای بهبودی آن نداشته اند، اما چیزی که در بهبودی مریض اثر گذاشته و صحت و سلامت و عقل را به وی

بازگردانده، معجزه ای از معجزات نماز و ارتباط با خدا بوده است. (فروع دین، ص۳۸)

روانکاو معروف دکتر هانری لنگ (هانری لنگ منکر خدا بود، سپس با دیدن حوادث فراوان به خدا گروید و بیماران خود را در سایه‌ی تعلیمات دینی مداوا می‌کرد.) چنین می گوید:
در نتیجه تحقیقات طولانی خود در اجرای آزمایشهای روانی بر روی افراد، به این موضوع پی برده‌ام، کسی که با دین سر و کار داشته باشد و به عبادت بپردازد، آنچنان شخصیتی قوی و نیرومند پیدا می کند که هیچ گاه یک نفر بی دین نمی تواند چنین شخصیتی به دست آورد.
(بازگشت به سوی ایمان، هانری لنگ، ترجمه ی، ص ۲۶.)

او می‌گوید: دین عبارت است از ایمان به وجود یک قدرت قوی که مصدر و اصل تمام زندگی و حیات است و آن نیرو همان نیروی (الله) است، همان نیروی مدبر جهان خلقت است، همان نیروی ایجاد کننده آسمان‌ها است.

من برای رفع مشکلات این زندگی نکبت بار راه حلی پیدا نکردم و هیچ گاه از پیشرفت معلومات و تحقیقات علمی سیراب نگشتم. زیرا پیشرفت علوم نتیجه ای جز اضطراب و به بیراهه کشاندن، به بار نمی آورد و مادامی که توحید عملی در تحت لواء و پرچم حقایق زندگی درنیاید، هرگز باعث آزادی

عقول کسانی که مبدع و مبتکر این علومند نخواهد شد. بلکه باعث ویرانی و نابودی و زوال عقل ها می گردد.

(راه تکامل، احمد امینی، ج ۷، ص ۲۱۵، ۲۱۶.)

دکتر توماس هایس لوپ می گوید:

مهمترین مطلبی که من در طول چندین سال تجربه و آزمایش به دست آورده ام این است که بهترین وسیله برای درمان بی خوابی نماز است. با این قید که من پزشکم این سخن را می گویم که نماز بهترین وسیله ای است که تا کنون برای توسعه‌ی اطمینان و تسکین اعصاب و آسایش و نشاط شناخته شده که زمینه‌ی بی‌خوابی را برطرف می گرداند. و به عبارت دقیقتر مهمترین وسیله‌ی ایجاد آرامش در روان و اعصاب انسان، نماز است.

(آئین زندگی، دیل کارنگی، ص ۲۴۹، قرآن و روان شناسی، ص ۳۵۷)

- «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷) ارْجِعِی إِلَی رَبِّکِ رَاضِیَةً مَرْضِیَّةً (۲۸) فَادْخُلِی فِی عِبَادِی (۲۹) وَادْخُلِی جَنَّتِی (۳۰)» (فجر)

تو ای روح آرام یافته (۲۷) به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که هم تو از او خشنودی وهم او از تو خشنود است (۲۸) پس در سلک بندگانم درآی (۲۹) و در بهشتم وارد شو (۳۰)

- «رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِی لِلْإِيمَانِ أنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران، ۱۹۳)

پروردگارا بی‌تردید ما (صدای) ندا دهنده ای را شنیدیم (که مردم را) به ایمان فرا می خواند که به پروردگارتان ایمان آورید. پس ما ایمان آوردیم. پروردگارا گناهان ما را بیامرز و بدی هایمان را محو کن و ما را در زمره نیکوکاران بمیران.

چگونه سر ز خجالت بر آورم بر دوست
که خدمتی به سزا بر نیامد از دستم
(حافظ)

** پایان **



www.shamsekohanpub.ir

قیمت : ۱۵۰۰۰ تومان

